



مفهوم‌شناسی و مصداق‌یابی اهل بیت علیهم‌السلام

- غلامحسین زینلی
- محقق و نویسنده

چکیده

خداوند در قرآن، اهل بیت پیامبر ﷺ را از هر گونه آلودگی منزّه دانسته و پیامبر ﷺ نیز آنان را همتای کتاب خدا معرفی کرده است. نقش اهل بیت ﷺ در هدایت و وحدت اسلامی، ضرورت شناخت مصداق اهل بیت ﷺ را بیشتر روشن می‌کند. اینکه اهل بیت پیامبر ﷺ علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ هستند، تردیدی نیست، ولی برخی قائل‌اند که افراد دیگری نیز جزو آنها به شمار می‌آیند. قرائن درونی و بیرونی آیه تطهیر و همچنین گفتار و رفتار پیامبر ﷺ دلیل بر این است که اهل بیت فقط بر آن پنج نفر و نه فرزند امام حسین تا امام مهدی ﷺ اطلاق می‌شود. کلید واژگان: اهل بیت، قرآن، حدیث، مصداق، حدیث ثقلین، آیه تطهیر.

- مقالات باید علمی، پژوهشی، مستند و دارای نوآوری باشند.
- مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریه دیگری چاپ شده یا برای نشریه دیگر ارسال شده باشد.
- مقالات متناسب با یک شماره آماده شود و طولانی و دنباله‌دار نباشند.
- مقاله ارسالی از ۲۵ صفحه حروف چینی شده (هر صفحه ۲۵۶ کلمه) افزون نباشد.
- دو نسخه از مقاله حروف چینی شده در محیط word به همراه دیسکت یا لوح فشرده آن ارسال گردد.
- چکیده مقاله که آیینۀ تمام‌نما و فشرده بحث است، به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی، و حداکثر در ده سطر ضمیمه باشد و کلید واژه‌های مقاله (حداقل سه و حداکثر هفت واژه) به دنبال هر چکیده بیاید.
- رعایت دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی الزامی است.
- ارجاعات در متن مقاله بین پرانتز (نام مؤلف، سال انتشار، شماره صفحه) نوشته شود.
- در مورد منابع غیر فارسی، همانند منابع فارسی عمل شود و معادل لاتین کلمات در پایین صفحه بیاید.
- نقل قولهای مستقیم بیش از چهل واژه به صورت جدا از متن با تورفتگی (یک‌ونیم سانتی‌متر) از راست درج شود.
- شکل لاتینی نامهای خاص، واژه‌های تخصصی و ترکیبات خارجی با ذکر شماره در پاورقی درج شود.
- یادداشتهای توضیحی شامل توضیحات بیشتری که به نظر مؤلف ضروری به نظر می‌رسد، با ذکر شماره در پاورقی همان صفحه درج شود.
- در یادداشتها چنانچه به مأخذی ارجاع یا استناد شود، ذکر نام نویسنده و شماره جلد و صفحه کافی است و مشخصات تفصیلی مأخذ باید در فهرست پایان مقاله بیاید.
- در ارجاعات بعدی فارسی از «همان» و در ارجاعات غیر فارسی به تناسب از «op.cit.» (پیشین) و «Ibid.» (همان) استفاده شود.
- در صورت ترجمه بودن مقاله، اصل مقاله ترجمه شده، معرفی نویسنده، معرفی کتاب یا مجله مأخذ همراه ترجمه ارسال گردد.
- منابع مورد استفاده در متن، در پایان مقاله و بر اساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی یا نام اشهر نویسنده (نویسندگان) به شرح زیر آورده شود:
- کتاب: نام خانوادگی، نام (نویسنده/ نویسندگان)، نام کتاب، نام مترجم، محقق یا مصحح، تعداد جلد، نوبت چاپ، محل نشر، نام ناشر، تاریخ انتشار.
- مقاله: نام خانوادگی، نام (نویسنده/ نویسندگان)، «عنوان مقاله داخل گیومه»، نام نشریه، دوره/ سال، تاریخ انتشار، شماره جلد، شماره صفحات مقاله.
- پایگاههای اینترنتی: نام خانوادگی، نام نویسنده (آخرین تاریخ و زمان تجدید نظر در پایگاه اینترنتی)، «عنوان موضوع داخل گیومه»، نام و آدرس پایگاه اینترنتی.
- نام کامل نویسنده، رتبه دانشگاهی یا عنوان علمی و نام مؤسسه متبوع وی به دو زبان فارسی و انگلیسی قید شود و همراه با نشانی پستی، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی ارسال گردد.
- مجله در ویرایش یا کوتاه کردن مقالات آزاد است.
- مقالات رسیده به هیچ وجه عودت داده نمی‌شود.
- آرا و نظرهای نویسندگان مقالات لزوماً دیدگاه مجله نیست.
- نویسندگان می‌توانند مقاله‌های خود را به نشانی دفتر مجله (مشهد، صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۴۶۱) یا نشانی الکترونیکی (razavi-magazine@imamreza.net) ارسال کنند.

ضرورت شناخت اهل بیت علیهم السلام

شاید برخی چنین تصوّر کنند که گفت‌وگو پیرامون «اهل بیت علیهم السلام» و تلاش برای شناختن و شناساندن آنان، مسئله‌ای قدیمی است و در عصر حاضر، اثری بر آن مترتب نیست، در حالی که اگر به کلام خداوند و سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مراجعه کنیم و در آن بیندیشیم، به وضوح می‌یابیم که مطالعه و پژوهش پیرامون این مسئله و شناخت مفهوم و مصادیق اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای امت اسلامی، امری کاملاً حیاتی است. خداوند در قرآن کریم، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از هرگونه آلودگی، پاک و منزّه دانسته^۱ و محبت و دوستی آنان را به عنوان مزد رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، بر همه مسلمانان فرض دانسته است.^۲

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز که سخن ایشان مؤید به کلام خداوند است،^۳ در حدیث متواتر «ثقلین» با بیان جمله «إني تارك فيكم ما إن تمسّكتم به لن تضلّوا بعدی، كتاب الله و عترتی اهل بیتی...» (ترمذی، ۳۲۹/۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۸/۳؛ ابن حنبل، ۱۷/۳؛ طبرانی، ۱۹۰/۵ و ۲۰۵) اهل بیت را همتای کتاب خدا به شمار آورده و استمرار هدایت امت اسلامی را پس از خود، تنها در پرتو تمسّک به قرآن و عترت، میسر دانسته است و اعلام داشته که این دو، همیشه با هم‌اند و هیچ‌گاه از یکدیگر، جدا نخواهند شد: «... و لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض...» (همان).

آن حضرت، در حدیث «سفینه»، اهل بیت علیهم السلام را به کشتی نوح تشبیه کرده و نجات امت اسلامی را تنها در گرو تمسّک به کشتی هدایت آنان، ممکن دانسته است.^۴

آری، تأمل در کلام خداوند و سخنان رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و نقش اهل بیت علیهم السلام

۱. «إلّا یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهّركم تطهیراً»؛ خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند (حزاب / ۳۳).
۲. «قل لا أسألكم علیه أجرأ إلا المودة فی القربی»؛ بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما نمی‌خواهم، مگر دوستی خویشاوندانم» (شوری / ۲۳).
۳. «و ما ینطق عن الهوی إن هو إلا وحی یوحی» (نجم / ۳ و ۴).
۴. ابوذر غفاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود: «مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینه نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق» (حاکم نیشابوری، ۳۴۳/۲؛ هیثمی، ۲۶۵/۹؛ خطیب بغدادی، ۹۱/۱۲؛ ابونعیم، ۳۰۶/۴؛ سیوطی، الدر المنثور، ۴۳۴/۴).

در هدایت و وحدت امت اسلامی، ضرورت شناخت مصادیق اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بیش از پیش روشن می‌سازد. چنین تأملی، هر فرد مسلمان متعهدی را وامی‌دارد تا به درستی، این اسوه‌های طهارت و پاکی را بشناسد و آنان را الگوی زندگی خویش قرار دهد و در جهان پرحادثه کنونی، بر کشتی نجات اهل بیت علیهم السلام سوار شده و خود را به ساحل نجات رساند. این، همان حقیقتی است که پیشوای مذهب شافعی نیز در سروده خود به آن اشاره دارد و می‌گوید:

ولمّا رأیت الناس قد ذهب بهم مذاهبهم فی أبحر الغیّ و الجهل
رکبتُ علی اسم الله فی سفن النجا و هم اهل بیت المصطفی خاتم الرسل
(شافعی، ۳۳۴)

یعنی: هنگامی که دیدم مذاهب گوناگون، مردم را به دریا‌های جهل و گمراهی سوق داده است، با نام خدا بر کشتیهای نجات اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، خاتم پیامبران، سوار شدم.

پس چنان نیست که این مسئله، متعلّق به روزگاران گذشته باشد، بلکه همان‌گونه که تدبیر در قرآن و پیروی از کتاب الهی، مسئله‌ای نو و مورد نیاز است، شناخت و پیروی از همتای قرآن، یعنی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز مسئله‌ای تازه و مورد نیاز است.

مراد از اهل بیت علیهم السلام

مقصود از اهل بیت در بحث حاضر، معنای لغوی آن، یعنی همه بستگان و همسر و فرزندان شخص نیست، بلکه مقصود، معنای اصطلاحی آن است که قرآن کریم، در آیه تطهیر، آن را درباره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به کار برده است (حزاب / ۳۳).

مصادیق اهل بیت علیهم السلام در نظر مفسران

مسلمانان به پیروی از قرآن کریم و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، عبارت «اهل بیت» را در اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم استعمال کرده‌اند. این مسئله به گونه‌ای شهرت یافته که اراده معنای دیگری از آن، نیازمند به قرینه است (قریشی، ۱۳۷/۱)؛ با این وجود، شماری از مفسران اهل سنت در این مسئله تشکیک کرده و ضمن پذیرفتن اهل بیت

پیامبر ﷺ (علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) به عنوان مصادیق آیه، افراد دیگری را نیز جزء مصادیق اهل بیت دانسته‌اند. اهم اقوال آنان چنین است:

۱. گروهی، به جز علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نیز از اهل بیت دانسته‌اند (ابن عساکر، ۲۰۸/۴-۲۰۹؛ رازی، ۲۰۹/۲۵؛ شوکانی، ۲۰۸/۴؛ قرطبی، ۱۸۳/۱۴).

۲. برخی مصداق اهل بیت را خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همسران آن حضرت دانسته‌اند (ابن عساکر، ۲۰۹/۴).

۳. برخی معتقدند منظور از اهل بیت، تنها زنان پیامبرند. این قول را عکرمه به سعید بن جبیر و ابن عباس نسبت داده است (سیوطی، الدر المنثور، ۶۰۲/۶؛ شوکانی، ۲۷۸/۴).

۴. برخی معتقدند مصادیق اهل بیت، همه بنی هاشم‌اند؛ یعنی آل علی، آل عقیل، آل جعفر و آل عباس. این قول از زید بن ارقم نقل شده است (طبرانی، ۱۸۲/۵؛ سیوطی، الدر المنثور، ۶۰۵/۶؛ شوکانی، ۲۸۰/۴؛ قرطبی، ۱۸۳/۱۴).

۵. عقیده بسیاری از مفسران بر این است که منظور از اهل بیت علیهم السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است. این قول را برخی از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، مانند ام سلمه، عایشه و زینب و جمع زیادی از صحابه، مانند سعد ابن ابی وقاص، ابوسعید خدری، واثله بن اسقع، ابن عباس، علی بن ابی طالب، حسن ابن علی، جعفر بن ابی طالب، جابر بن عبدالله، عمر بن ابی سلمه، براء بن عاذب و ثویان، غلام رسول خدا، نقل کرده‌اند (حاکم حسکانی، ۳۰-۲۶/۲، ۳۳-۳۵، ۳۸-۴۱، ۴۳ و ۵۰؛ ابن کثیر، ۴۹۴-۴۹۲/۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۶/۳، ۱۴۷ و ۱۵۰؛ سیوطی، الدر المنثور، ۶۰۳/۶-۶۰۵؛ طبری، ۷/۲۲ و ۸؛ ذهبی، ۱۴۷/۳؛ بیهقی، ۶۳/۷؛ طحاوی، ۳۳۲/۱ و ۳۳۴؛ ابن حنبل، ۳۹۱/۱، ۴۵/۶، ۱۷۷/۱۰ و ۱۹۷؛ مسلم، کتاب فضائل صحابه، باب ۴ و کتاب فضائل اهل بیت النبوی صلی الله علیه و آله و سلم، باب ۹؛ ترمذی، کتاب مناقب، باب ۲۱ و ۳۲؛ جوینی، ۱۵/۲، ۱۸ و ۲۲).

در پاره‌ای از روایات، افزون بر افراد یادشده، در ذیل قول پنجم، از سایر امامان شیعه هم نام برده شده است (موحد ابطحی، ج ۱ و ۲). شیعه امامیه، بر اینکه آیه تطهیر همه امامان را نیز شامل می‌شود، اتفاق نظر دارند (طبرسی، ۳۷۲).

حال باید دید، آیه شریفه، شامل چه کسانی است و چه کسانی از دایره شمول آیه خارج‌اند. برای بررسی این مسئله، از قرائن درونی و برونی آیه مورد نظر، مدد می‌جوییم.

قرائن درونی شمول آیه تطهیر بر اهل بیت علیهم السلام

۱. کسانی که همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را مشمول آیه می‌دانند، به این نکته تمسک کرده‌اند که جملات پیش و پس از آیه تطهیر، همگی درباره همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، اما باید توجه داشت که مسئله یادشده نه تنها دلالتی بر شمول آیه نسبت به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ندارد، بلکه خود قرینه روشنی است بر اینکه مخاطب آیه تطهیر، کسانی غیر از همسران پیامبرند؛ چرا که در جملات پیش و پس از آیه، تمامی ضمایر به صورت مؤنث آمده (کنتن، أمتعنن، أَسْرَحکن، تردن، لستن، أتقینن، فی بیوتکنن)، در حالی که در آیه تطهیر، جهت خطاب تغییر کرده و ضمایر آن، به صورت مذکر (عنکم، يطهرکم) آمده است. این امر، به روشنی دلالت دارد بر اینکه مصادیق آیه، کسانی غیر از همسران پیامبرند.

۲. لسان آیه تطهیر، لسان مدح و ستایش است و از مقام بلند اهل بیت علیهم السلام حکایت دارد، در حالی که لسان آیه‌های مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، لسان پرهیز دادن و ترساندن است؛ از این رو، هرگز نمی‌توان هر دو لسان را مربوط به یک گروه دانست.

۳. مفاد آیه تطهیر، اعطای نوعی مصونیت از گناه و لغزش، و عصمت دارندگان مقام تطهیر است، در حالی که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اتفاق مسلمانان، مصون و معصوم از خطا و گناه نبوده‌اند.

۴. منظور از «اراده» در آیه شریفه تطهیر اراده تکوینی است. با توجه به این نکته، می‌توان پرسید: آیا مراد از زدودن پلیدی از اهل بیت علیهم السلام در آیه شریفه، دور ساختن و دفع پلیدی است (یعنی اینکه آنها از آغاز هیچ‌گونه پلیدی نداشته‌اند) یا برداشتن و رفع آن است (یعنی آلودگی بوده، اما خداوند آن را برطرف کرده است).

اگر فرض نخست منظور باشد، در این صورت، تمام زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا دست کم بیشتر آنان، پیش از اسلام در پلیدی (شرک و کفر) بوده‌اند؛ در نتیجه، از حکم آیه خارج‌اند. اگر فرض دوم (برداشتن پلیدی) منظور باشد، چاره‌ای نداریم جز آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را از حکم آیه خارج بدانیم؛ زیرا در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، هیچ‌گونه پلیدی وجود نداشته است، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به طور قطع، در حکم آیه داخل است. پس فرض نخست، ثابت و فرض دوم، منتفی می‌گردد و زنان

پیامبر ﷺ به طور قطع، از حکم آیه خارج می گردند (طبرسی، ۳۷۲).

۵. مقصود از اهل بیت علیهم السلام در آیه تطهیر، اهل بیت پیامبرند که منحصرأ ساکن یک خانه بوده اند، یعنی فاطمه، امیرالمؤمنین و دو فرزندشان حسن و حسین علیهم السلام. اینکه به نظر برخی مقصود آیه، همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، درست نیست؛ چون خانه های همسران آن حضرت، یک خانه نبود، بلکه خانه های آنان، متعدّد بوده که در آن ساکن بوده اند. دلیل این مطلب، سخن خداوند در صدر آیه تطهیر است که می گوید: ﴿و قرن فی بیوتکن﴾ (احزاب / ۳۳) که خطاب، متوجّه کسانی است که در خانه های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می زیسته اند.

قرائن برونی شمول آیه تطهیر بر اهل بیت علیهم السلام

افزون بر قرائن درونی آیه، قرائن برونی دیگری نیز وجود دارد که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از شمول آیه تطهیر خارج می سازد. این قرائن را در ذیل پی می گیریم:

۱. بی گمان، خداوند در آیه تطهیر، مقام بزرگی را برای اهل بیت علیهم السلام ثابت کرده و آن را به همه مسلمانان اعلام داشته است. حال، چگونه می توان تصوّر کرد که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به چنین مقام ارجمندی رسیده باشند، اما از وجود چنین فضیلتی برای خود غافل باشند، تا آنجا که هیچ یک از آنان، حتی برای یک بار، چنین فضیلتی را برای خود یادآور نشده و دیگران را نیز بدان توجّه نداده است؟! نه تنها در تاریخ چنین فضیلتی از آنان نقل نشده، بلکه از قول خود آنان نقل شده که گفته اند: آیه تطهیر در حقّ غیر ایشان (یعنی خمسۀ طیّبه) نازل شده است.

۲. محدّثان شیعه و اهل سنت، در شأن نزول آیه تطهیر، روایات متواتری را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند. این روایات، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را مصادیق اهل بیت علیهم السلام معرفی می کند.

به نظر می رسد بهترین راه برای تعیین دقیق مصادیق اهل بیت، مراجعه به روایاتی است که از قول خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در تفسیر آیه شریفه صادر شده است.

آری، چگونه می توان باور کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث ثقلین، سفینه، امان و...، تمسّک به اهل بیت علیهم السلام را مایه سعادت دنیا و آخرت امت اعلام کند، اما

آنان را معرفی نکند و مصادیق اهل بیت را در هاله ای از ابهام باقی گذارد؟!

حقیقت آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مواضع متعدّد، از جمله در اجتماع باشکوه صحابه، اهل بیت علیهم السلام را معرفی کرده است تا هیچ عذر و بهانه ای برای هیچ کس باقی نماند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان یگانه کسی که بی هیچ اختلافی، صلاحیت تفسیر قرآن و بیان معانی پنهان آن را داراست^۱ و به تصریح قرآن کریم، هیچ گاه از خود سخنی نمی گوید و گفتارش برخاسته از وحی الهی است^۲ در تعیین مراد آیه تطهیر و بیان مصادیق آن، دو شیوه مؤثر برگزیده است:

الف) شیوه بیان گفتاری؛

ب) شیوه بیان رفتاری.

الف) مصادیق آیه تطهیر در بیان گفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

طبق روایات فراوانی که از طریق شیعه و اهل سنت رسیده است، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از نزول آیه تطهیر، پارچه ای به دست مبارک خویش گرفت و علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را به زیر آن بُرد و سپس فرمود:

«اللهم هؤلاء أهل بیتی و هؤلاء أهلی و عترتی فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً» (حاکم حسکانی، ۳۴/۲، ۳۸، ۴۳، ۴۴ و ۵۰؛ ابن کثیر، ۴۹۲/۳ و ۴۹۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۶/۳ و ۱۵۰؛ طحاوی، ۳۳۴/۱؛ طبری، ۷/۲۲ و ۸؛ ابن حنبل، ۱۷۷/۱۰)؛ پروردگارا! اینان اهل بیت من و اهل و خاندان من اند. هرگونه آلودگی را از آنان دور کن و کاملاً پاکشان گردان.

شمار این روایات که نزد شیعه و سنی به «حدیث کساء» شهرت یافته، به دهها عدد بالغ می شود و جمع کثیری از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را نقل کرده اند.

ام سلمه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که طبق نقل بیشتر روایات، این جریان در خانه او روی داده، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تقاضا می کند تا اجازه دهند او نیز به جمع اصحاب کسا پیوندد و از این فیض بزرگ بهره مند شود، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از پیوستن او به جمع اصحاب کسا مانع شده، با تعابیر محبت آمیزی از او دلجویی می کنند؛

۱. ﴿و أنزلنا إلیک الذکر لتبین للناس ما نزل إلیهم﴾ (نحل / ۴۴).

۲. ﴿و ما یطق عن الهوی، إن هو إلا وحی یوحی﴾ (نجم / ۳ و ۴).

تعبیری چون: «یرحمک الله، أنت علی مکانک و أنت علی خیر و إلی خیر، و إنک من أزواج النبی...» (همان).

غیر از ام سلمه، همسران دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همچون عایشه (همان) و زینب (جویی، ۱۸/۲) نیز عین ماجرای مذکور را نقل کرده و تصریح کرده‌اند که آیه تطهیر دربارهٔ خمسة طیبه نازل شده است.

غیر از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، شمار زیادی از بزرگان صحابه^۱ نیز تصریح کرده‌اند که آیه تطهیر دربارهٔ خمسة طیبه نازل شده است.

ب) مصادیق آیه تطهیر در بیان رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

روش دیگری که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای تعیین مراد از آیه تطهیر و بیان مصادیق آن برگزیدند، شیوه‌ای ابتکاری و فراموش‌نشدنی در مدت زمانی نسبتاً طولانی، در معرفی اهل بیت علیهم السلام بود؛ بدین سان که سپیده‌دم، هنگامی که برای اقامهٔ نماز صبح از خانه خارج می‌شدند، به در خانهٔ فاطمه علیها السلام می‌رفت و می‌فرمود:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته أهل البيت ﴿إِذَا بَرِدَ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ الصلاة رحمکم الله؛ درود، رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت باد. «خداوند اراده کرد تا هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت دور گرداند و کاملاً پاکتان سازد» [وقت] نماز [است، مهیا شوید] رحمت خدا بر شما باد.

مدت این روش رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ابوسعید خدری، چهل روز (حاکم حسکانی، ۴۴/۲، ح ۶۶۵؛ سیوطی، الدر المنثور، ۶۰۶/۶)، انس بن مالک، شش ماه (ابن کثیر، ۴۹۲/۳؛ حاکم حسکانی، ۱۸/۲، ۲۱، ۲۲ و ۲۵)، ابو حمراء، شش و در نقلی هفت یا هشت ماه (سیوطی، الدر المنثور، ۶۰۶/۶ و ۶۰۷؛ ابن کثیر، ۴۹۲/۳)، و ابن عباس، نه ماه (سیوطی، الدر المنثور، ۶۰۶/۶) اعلام داشته‌اند.

به نظر می‌رسد علت اختلاف در مدت زمان مذکور، آن است که هر یک از روایان، تنها مدتی که خود شاهد آن بوده، روایت کرده است؛ بنابراین، ناسازگاری در نقلهای یاد شده مطرح نیست.

۱. اسامی آنان و منابعی که سخنان آنها در آن ثبت شده، بیشتر گذشت.

همان‌گونه که گذشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از همان آغاز نزول آیه تطهیر با تعیین مصادیق اهل بیت، راه هرگونه تفسیر ناروا را در این باره بستند. این اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم موجب شده است تا جز معدودی که نظرشان وزنی ندارد، کسی در اختصاص این آیه به پنج تن تردید نکند.

اشتمال آیه تطهیر بر سایر امامان شیعه

چنان‌که پیشتر گذشت، کاربرد واژه «اهل بیت» در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان امت اسلامی به طور ویژه برای خاندان پاک آن حضرت بود؛ به گونه‌ای که هرگاه این واژه بدون پسوند به کار می‌رفت، همگان از آن، مصادیقی جز خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌فهمیدند و عنوان «اهل بیت»، معرف خاندان پاک آن حضرت بوده است (راغب، ۶۴).

بی‌گمان، این مسئله به تبعیت از شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و به سبب تأکید فراوانی بود که آن حضرت دربارهٔ افرادی خاص با عنوان «اهل بیت» به کار می‌برد. در واقع، مصادیق «اهل بیت»، همان کسانی بودند که از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با عناوین دیگری همچون، «عترت»، «اصحاب کسا»، «آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم» و...، به امت اسلامی معرفی گردیدند.

حال، می‌گوییم، مصادیق اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بیش از افراد یاد شده است و اطلاق واژه «اهل بیت» بر افراد یاد شده، از باب حصر نیست؛ به گونه‌ای که واژه «اهل بیت» به افراد مذکور اختصاص داشته باشد و سایر امامان شیعه را شامل نشود، بلکه جریان حدیث کسا، از قبیل تطبیق آیه تطهیر بر افراد موجود از اهل بیت علیهم السلام بوده است، نه حصر در آنها؛ در غیر این صورت، به عقیده دانشمندان امامیه و جمع کثیری از دانشمندان اهل سنت، همهٔ امامان امامیه جزء اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شمار می‌آیند. این مطلب از روایاتی که در معرفی اهل بیت نقل شده، به خوبی استفاده می‌شود؛ برای مثال، طبق برخی از روایات، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در شب ازدواج علی و فاطمه علیها السلام آیه تطهیر را تلاوت کرد و پس از ازدواج آنان تا چهل روز پیوسته به در خانهٔ آنها می‌آمد و می‌فرمود:

السلام علیکم أهل البيت و رحمة الله و بركاته. الصلاة رحمکم الله، «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ، أَنَا سَلَمٌ لِمَنْ سَالَمْتُمْ (سيوطی، الدر المنثور، ۶/۶: ۶۰۶؛ هیثمی، ۹/۲۶۷).

همچنین دانشمندان شیعه و اهل سنت پذیرفته‌اند که امام مهدی عجل الله فرجه که در آخرالزمان قیام خواهد کرد و با برچیدن بساط ظلم، حکومتی جهانی بر اساس عدل و داد بنا خواهد کرد، از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. نمونه‌هایی از احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که مفید این معناست، چنین است:

علی عجل الله فرجه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود: «المهدی منّا أهل البيت» (ابن ماجه، کتاب الفتن، باب ۳۴؛ ابن حنبل، ۱/۸۴؛ ابوداود، کتاب المهدی؛ حاکم نیشابوری، ۴/۵۵۷).

ابوسعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند: «المهدی منّی...» (همان).
ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود: «المهدی من عترتی من ولد فاطمة» (سیوطی، الدر المنثور، ۶/۵۸؛ ابوداود، کتاب المهدی).

چنان که می‌بینید، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در احادیث یاد شده مهدی عجل الله فرجه را از اهل بیت خود به شمار آورده‌اند، حال آنکه مهدی عجل الله فرجه نه تنها در آن زمان وجود نداشت، بلکه تا زمان تولد وی، حدود دویست و پنجاه سال باقی مانده بود.

همچنین دانشمندان فریقین، روایاتی را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند که بر طبق آنها، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعداد جانشینان خود و خلفای امت اسلامی را دوازده تن معرفی کرده و برای آنان اوصافی برشمرده‌اند که مجموع آن اوصاف، جز بر امامان دوازده‌گانه تشیع، بر کس دیگری تطبیق پذیر نیست. نمونه‌ای از نقلهای روایات مورد نظر چنین است: مسلم در صحیح خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود:

لا يزال الدين قائماً حتى تقوم الساعة أو يكون عليكم اثنا عشر خليفة كلهم من قريش (مسلم، کتاب اماره، باب ۱)؛ همواره دین خدا استوار و پابرجاست تا آنکه قیامت به پا شود یا دوازده نفر خلیفه برای شما وجود داشته باشند که همگی آنان از قریش‌اند.

حدیث فوق را بخاری از سه طریق (صحیح، کتاب احکام، باب ۵۱؛ تاریخ الکبیر، ۳/۱۸۵ و ۴/۴۱۱)، مسلم از هشت طریق (کتاب اماره، باب ۱)، ابوداود از دو طریق (کتاب المهدی)،

ترمذی از دو طریق (کتاب الفتن، باب ۴۶) و احمد بن حنبل از ۳۲ طریق (۵/۱۰۶)، ذیل احادیث جابر بن سمرة) نقل کرده‌اند.

ویژگیها و اوصاف امامان در حدیث مذکور

اهم ویژگیهای امامان در حدیث مذکور بدین قرار است:

۱. عدد آنان دوازده نفر است: «... اثنا عشر خليفة...».
 ۲. همگی آنان از قریش‌اند: «... كلهم من قريش».
 ۳. این دوازده نفر خلفای کل امت‌اند، نه بخشی از امت.
- در حدیث جابر بن سمرة آمده: «يكون لهذه الأمة اثنا عشر خليفة...» (ابن حنبل، ۵/۱۰۶؛ طبرانی، ۲/۱۹۸؛ متقی هندی، ۱۲/۳۳۳)

در حدیث ابو جحیفه آمده: «لا يزال أمر أمّتي صالحاً حتى يمضي اثنا عشر خليفة كلهم من قريش» (حاکم نیشابوری، ۳/۶۱۸؛ هیثمی، ۵/۱۹۰؛ بخاری، تاریخ الکبیر، ۸/۴۱۱؛ متقی هندی، ۱۲/۳۲؛ ح ۳۳۸۴۹).

در حدیث عبدالله بن مسعود آمده: «إنه سئل كم يملك هذه الأمة من خليفة؟ قال: اثنا عشر كعدة نعباء بني إسرائيل» (ابن حنبل، ۲/۵۵؛ حاکم نیشابوری، ۴/۵۰۱؛ هیثمی، ۵/۳۴۴؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳/۲۱۱؛ البانی، ۲/۷۱۹-۷۲۰).

مسروق^۱ می‌گوید: ما در کوفه نزد عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و او به ما قرآن می‌آموخت. مردی از او پرسید: ای اباعبدالرحمان! آیا شما [اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم] از آن حضرت پرسیدید که این امت چند نفر خلیفه خواهند داشت؟ عبدالله در پاسخ گفت: از هنگامی که به عراق آمده‌ام، تو نخستین کسی هستی که از من چنین پرسشی می‌کنی. آنگاه افزود: آری، ما از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این سؤال را پرسیدیم و آن حضرت در پاسخ فرمود: «دوازده تن خواهند بود به تعداد نقبای بنی اسرائیل» (همان).

چنان که می‌بینید، در همه این روایات سخن از این است که این دوازده نفر، خلفای «امت»‌اند و واژه «امت»، همه پیروان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را تا قیامت شامل می‌شود و به هیچ وجه نمی‌توان واژه «امت» را به مسلمانان قرن اول یا دوم هجری اختصاص داد.

۱. وی از بزرگان تابعان است.

۴. دوران خلافت اینان بلافاصله پس از پیامبر ﷺ آغاز می شود: «یکون من بعدی اثنا عشر أميراً (خليفة) کلهم من قريش» (ترمذی، کتاب فتن، باب ۴۶؛ طبرانی، ۲/۲۱۴؛ ابن حنبل، ۵/۹۹).

وقتی به گذشته امت اسلامی می نگریم، جز امامان اهل بیت پیامبر ﷺ گروهی را نمی یابیم که تعداد آنان دوازده نفر، همگی از قریش، خلفای کل امت اسلامی، و آغاز خلافتشان بلافاصله پس از پیامبر ﷺ باشد و جهان هیچ گاه از وجود یکی از آنان خالی نباشد.

دانشمندان اهل سنت در توجیه احادیث فوق کوشیده اند تا با گزینش جمعی از حاکمان اموی و عباسی و انضمام آنان به خلفای راشدین، دوازده نفر مذکور در روایات فوق را تعیین کرده و آنان را مصداق آن روایات قرار دهند.

قاضی عیاض و ابن حجر می گویند: خلفای دوازده گانه رسول خدا ﷺ عبارتند از: ۱. ابوبکر؛ ۲. عمر؛ ۳. عثمان؛ ۴. علی؛ ۵. معاویه؛ ۶. یزید؛ ۷. عبدالملک ابن مروان؛ ۸. ولید بن عبدالملک؛ ۹. سلیمان بن عبدالملک؛ ۱۰. یزید بن عبدالملک؛ ۱۱. هشام بن عبدالملک و ۱۲. ولید بن یزید بن عبدالملک (ابن حجر عسقلانی، ۱۳/۲۱۴).

سیوطی می نویسد: هشت تن از خلفای دوازده گانه رسول خدا ﷺ عبارتند از: ۱. ابوبکر؛ ۲. عمر؛ ۳. عثمان؛ ۴. علی؛ ۵. حسن بن علی؛ ۶. معاویه؛ ۷. عبدالله بن زبیر و ۸. عمر بن عبدالعزیز.

وی آنگاه احتمال داده که دو نفر دیگر از خلفای دوازده گانه، المهتدی و الظاهر از حاکمان عباسی باشند؛ چون این دو به عقیده سیوطی، افراد عادلانی بوده اند! وی سپس می افزاید: «و اما دو نفر دیگر باقی مانده اند که باید منتظر آنان بمانیم؛ یکی از آن دو، «مهتدی» که از اهل بیت پیامبر ﷺ است» (تاریخ الخلفاء، ۱۰-۱۲).

سیوطی نفر دوم را مسکوت گذاشته و از وی نام نمی برد. بدین سان می بینیم که دانشمند پر آوازه ای مانند سیوطی، تنها توانسته به گمان خود، نام یازده نفر از خلفای دوازده گانه رسول خدا ﷺ را آن هم بر اساس حدس و گمان مشخص کند و از تعیین نفر دوازدهم عاجز مانده است.

باید گفت: این توجیهاات به دلایلی پذیرفته نیست؛ از جمله:

۱. خلفای راشدین نمی توانند مصداق احادیث فوق باشند؛ چون: اولاً عدد آنها کمتر از دوازده نفر است.

ثانیاً خلفای کل امت نیستند؛ زیرا دوران خلافتشان حدود سی سال بیشتر ادامه نیافته است.

۲. حاکمان اموی نیز نمی توانند مصداق احادیث باشند؛ زیرا: اولاً عددشان بیشتر از دوازده نفر است.

ثانیاً خلفای کل امت نیستند، بلکه دوران حکومت آنان در اوایل قرن دوم هجری (سال ۱۳۲ق.) پایان یافته است.

ثالثاً تقریباً همه آنان، افرادی فاسق و ستمگر بوده اند (ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، ۲۱۹) و زندگی آنان به زندگی پیامبر ﷺ هیچ شباهتی نداشته است تا بتوان آنان را جانشین پیامبر ﷺ دانست.

رابعاً حکومتشان بلافاصله پس از پیامبر ﷺ نبوده است.

۳. حاکمان عباسی نیز نمی توانند مصداق احادیث خلفای اثنا عشر باشند؛ زیرا: اولاً عدد آنان بیش از دوازده نفر است.

ثانیاً خلفای کل امت نبوده اند، بلکه حکومت آنان در سال ۱۳۲ هـ. آغاز شده و در اواسط قرن هفتم هجری با سقوط بغداد پایان یافته است.^۱

ثالثاً تقریباً همه آنان افرادی ظالم، ستمگر و بی دین بوده اند (حنفی قندوزی، ۲/۵۳۵) و زندگی و عملکرد آنان به زندگی و عملکرد رسول خدا ﷺ هیچ شباهتی نداشته است.

رابعاً حکومتشان بلافاصله پس از پیامبر ﷺ نبوده است.

افزون بر مباحث گذشته، چنان که دیدیم، اکثر کسانی که دانشمندان اهل سنت آنان را به عنوان مصداق احادیث خلفای اثنا عشر بر گزیده اند، حاکمان اموی اند و اینان کسانی اند که پیامبر ﷺ آنان را لعن و نفرین کرده است (شوکانی، ۳/۲۴۰؛ ابن

۱. بخشی از آنان نیز تا قرن نهم هجری در مصر حکومت داشته اند.

حنبل، ۵/۳؛ هیثمی، ۳۰۸/۱ و ۴۳۵/۵؛ قرطبی، ۲۸۶/۱۰.

همچنین حافظان اهل سنت از پیامبر ﷺ احادیث صحیحی را نقل کرده‌اند که نشان می‌دهد، در هر عصری برای مردم آن عصر، امامی هست و مسلمانان وظیفه دارند، آن امام را بشناسند و بیعت او را بر گردن نهند. عظمت این امام به اندازه‌ای است که هر کس بمیرد و او را نشناسد و در بیعت او قرار نداشته باشد، مرگش، مرگ جاهلی است.

در حدیثی از پیامبر ﷺ آمده است: «من مات و لیس فی عنقه بیعة، مات میتة جاهلیة» (مسلم، کتاب اماره، ح ۵۸؛ بیهقی، ۱۵۶/۸؛ البانی، ۷۱۵/۲؛ ابن حنبل، ۹۶/۴). همچنین از آن حضرت نقل شده که فرمود: «من مات بغير امام، مات میتة جاهلیة» (ابوداود طیالسی، ۲۵۹؛ ابن حنبل، ۴۴۶/۳؛ بخاری، التاریخ الکبیر، ۴۴۵/۶) و نیز فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة» (تفتازانی، ۲۳۹/۵).

احادیث دیگری از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمود: «لا یزال هذا الأمر فی قریش ما بقی من الناس اثنان» (مسلم، کتاب اماره، باب ۱؛ بخاری، صحیح، ۲۱۸/۴ و ۷۸/۹) همواره امر خلافت در میان قریش است تا آن‌گاه که دو نفر انسان در جهان باقی باشند.^۱

احادیث دسته نخست می‌گفت: در هر زمانی امامی وجود دارد که مردم وظیفه دارند او را بشناسند، و در بیعت او قرار داشته باشند. و حدیث دسته دوم می‌گفت: آن امام باید از تبار قریش باشد. بر اساس این، وظیفه امت اسلامی این است که پس از پیامبر اکرم ﷺ تا قیامت، در هر زمانی، در بیعت امامی باشند که از تبار قریش و از دودمان پیامبر اکرم ﷺ باشد. حال آنکه این معنا، به هیچ وجه با توجهات دانشمندان اهل سنت درباره احادیث تعداد خلفای پس از پیامبر ﷺ سازگار نیست؛ چرا که امروز، اهل سنت فاقد چنین خلیفه‌ای می‌باشند، در حالی که باید همواره از وجود چنین امام و خلیفه‌ای برخوردار باشند.

آری، مجموع این احادیث، مؤید دیدگاه دانشمندان شیعه امامیه درباره امامان و خلفای دوازده گانه پیامبر ﷺ است. دانشمندان شیعه معتقدند مصداق احادیث

۱. با این مضمون احادیث فراوان دیگری نیز وجود دارد.

خلفای پیامبر ﷺ، امامانی هستند که همگی آنان از اهل بیت پیامبر ﷺ می‌باشند و خلافت آنان نیز لزوماً به معنای حکومت ظاهری نیست، بلکه به معنای حقی الهی و استحقاقی است که از جانب خدا و به واسطه پیامبر ﷺ به آنان اعطا شده است. نخستین فرد این سلسله، علی بن ابی طالب علیهما السلام و آخرین آنان، مهدی موعود علیهما السلام است که از عمری غیر متعارف و طولانی برخوردار است، به گونه‌ای که جهان هیچ گاه از وجود یکی از آنان خالی نبوده و نخواهد بود.

تردیدی نیست که بشارت پیامبر ﷺ به آمدن دوازده خلیفه پس از وی، سخنی عادی نیست، بلکه بشارتی الهی و ابلاغ شده از سوی خداوند است؛ چرا که آن حضرت، هیچ گاه از پیش خود سخن نمی‌گوید و سخن او چیزی جز وحی الهی نیست (نجم/ ۵)، به ویژه درباره موضوع مهمی مانند جانشینان خود و رهبران امت اسلامی.

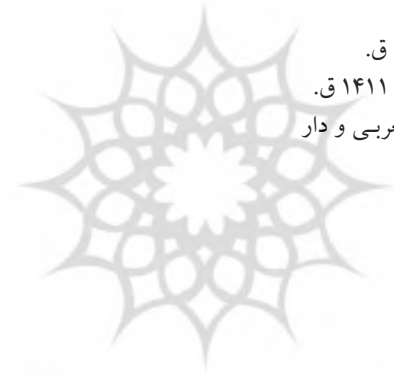
حال که بشارت، بشارتی الهی و بشارت‌دهنده، پیامبر خداست، باید مصادیق بشارت نیز الهی باشد و تعیین آنان به اذن خدا و به واسطه پیامبر ﷺ صورت گیرد؛ چرا که با این ویژگیها، معنا ندارد تعیین مصادیق بشارت، آن هم درباره چنین مسئله مهمی، به دانشمندان دربار حاکمان اموی و عباسی سپرده شود تا بر اساس ذوق، سلیقه و گرایش‌های فکری خود، در این باره تصمیم بگیرند و هر کسی، عده‌ای را به عنوان مصداق این بشارت معرفی کند و حاصل انتخاب آنان، این باشد که عده‌ای از عناصر شیطانی از بنی امیه و بنی عباس به عنوان جانشینان رسول خدا ﷺ تعیین و معرفی شوند.

افزون بر مباحث گذشته، دانشمندان شیعه و شماری از دانشمندان اهل سنت، احادیثی از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند که به صراحت نشان می‌دهد همه امامان شیعه، جزء اهل بیت پیامبرند. این احادیث، در تفاسیر روایی شیعه، مانند نور الثقلین، تفسیر قمی و... در ذیل آیه تطهیر و آیه اولی الامر (نساء/ ۵۹) و یا در کتابهایی مانند کافی، کفایة الاثر، فرائد السمطین، ینابیع الموده و... مضبوط است.

کتاب شناسی

- ابن حنبل، احمد، *مسند احمد*، دار الفكر، بی تا.
- ابن عساکر، تهذيب تاريخ دمشق، بيروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ابن کثیر دمشقی، *تفسیر القرآن العظیم*، چاپ دوم، بیروت، دار المعرفه، ١٤٠٧ ق.
- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، *سنن ابن ماجه*، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث سجستانی، *سنن ابی داود*، چاپ اول، بیروت، دار الفكر، ١٤١٠ ق - ١٩٩٠ م.
- ابوداود طبالسی، *مسند ابی داود الطبالسی*، بیروت، دار الحدیث، بی تا.
- اصفهانی، ابونعیم، *حلیة الاولیاء*، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- البانی، محمد ناصرالدین، *سلسله الصحیحہ*، ریاض، نشر دار المعارف، بی تا.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *التاریخ الکبیر*، بیروت، دار الفكر، بی تا.
- همو، صحیح بخاری، بیروت، دار الجیل، بی تا.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین بن علی، *السنن الکبری*، تحقیق یوسف عبدالرحمان المرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ١٤١٣ هـ.
- تفتازانی، سعدالدین، *شرح المقاصد*، قم، چاپ رضی، بی تا.
- جوینی، محمد بن ابراهیم، *فرائد السمطین*، بیروت، مؤسسه محمودی للطباعة و النشر، ١٤٠٠ ق.
- حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، *شواهد التنزیل*، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ١٤١١ ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دار الکتب العربی و دار الکتب العلمیه، بی تا.
- حنفی قندوزی، شیخ سلیمان، *یتایع المودّه*، قم، چاپ رضی، ١٤١٣ ق.
- خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- ذهبی، شمس الدین، *تلخیص المستدرک*، ذیل مستدرک حاکم، دار الکتب العربی، بی تا.
- رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین، *مفردات الفاظ القرآن*، قم، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- سیوطی، جلال الدین، *الدرر المثور فی تفسیر المأثور*، چاپ اول، بیروت، دار الفكر، ١٤٠٣ ق.
- همو، *تاریخ الخلفاء*، بیروت، دار القلم، ١٤٠٦ ق.
- شافعی، محمد بن ادیس، *دیوان امام شافعی*، گردآوری محمد عبدالرحیم، دار الفكر، بی تا.
- شوکانی، محمد بن علی بن محمد، *فتح القدر*، بیروت، دار المعرفه للطباعة و النشر، بی تا.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٥ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *جوامع الجامع*، بی تا، بی جا، بی تا.
- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ١٤٠٧ ق.
- طحاوی، ابوجعفر، *مشکل الآثار*، چاپ اول، بیروت، دار صادر، ١٣٣٣ هـ.
- عسقلانی، ابن حجر، *فتح الباری*، تحقیق محب الدین خطیب، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- قرطبی، احمد بن محمد، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٩٦٦ م.
- قریشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ١٣٦٦ ق.
- متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ١٤٠٥ ق.
- ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن ترمذی*، چاپ سلفیه.

- محمد بیومی مهران، *الامامة و اهل البيت*، مصر، دار النهضة العربیه، ١٩٩٥ م.
- مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، *الجامع الصحیح*، بیروت، دار الفكر، ١٣٩٨ ق.
- موحد ابطحی، سید علی، *آیه التظہیر فی احادیث الفریقین*، قم، ١٤٠٤ ق.
- هیشمی مکی، احمد بن حجر، *الصواعق المحرقة*، چاپ مصر، بی تا.
- هیشمی، نورالدین علی بن ابی بکر، *معجم الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت، دار الفكر، ١٤١٤ ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی